

پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی

سال سوم، شماره پیاپی ۸، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۳

تاریخ دریافت: ۹۲/۵/۲۸ تاریخ پذیرش: ۹۲/۱۰/۳۰

صص ۳۵-۴۴

## بررسی رابطه میزان کنترل اجتماعی و بی‌نظمی در بین شهروندان شهر دهدشت

سیروس احمدی، استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه یاسوج\*

فریبرز نیکدل، استادیار گروه روان‌شناسی دانشگاه یاسوج

علی حیدری، استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه یاسوج

عصمت کرمی، دانشجوی کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه یاسوج

### چکیده

پژوهش حاضر با استفاده از نظریه کنترل به بررسی رابطه کنترل اجتماعی رسمی و غیر رسمی با بی‌نظمی پرداخته است. روش به کار رفته در این پژوهش، روش پیمایشی مقطعی و غیر آزمایشی بود. جامعه آماری، کلیه شهروندان بالاتر از ۱۸ سال در شهر دهدشت بود که ۴۰۰ نفر به عنوان نمونه تعیین و با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی چند مرحله‌ای انتخاب شدند. ابزار تحقیق، پرسشنامه پژوهشگر ساخته بود که اعتبار آن با استفاده از اعتبار محتوا و سازه‌ای بررسی گردید و پایایی آن به روش کودر-ریچاردسون و آلفا کرونباخ مورد سنجش قرار گرفت. بر اساس یافته‌های تحقیق، رابطه منفی و معناداری بین کنترل اجتماعی و بی‌نظمی وجود دارد و طی آن کنترل اجتماعی می‌تواند ۳۲ درصد از واریانس بی‌نظمی را تبیین کند. با این تفصیل، با گسترش مکانیزم‌های کنترل رسمی و غیررسمی در جامعه می‌توان بی‌نظمی را به میزان درخور توجهی کاهش داد.

واژه‌های کلیدی: کنترل اجتماعی، بی‌نظمی، دهدشت

## مقدمه

به طور گسترده قابل مشاهده‌اند. بی‌نظمی یا نظم‌ناپذیری به عنوان یک رفتار، متأثر از عوامل متعددی است (اسکوگان، ۱۹۹۰؛ سمپسون و همکاران، ۱۹۹۹؛ چلپی، ۱۳۷۵)، همچنین، پیوند نزدیکی با میزان کنترل دارد (ویلسون و کلینگ، ۱۹۸۲). اما این رابطه کمتر بررسی علمی شده است. بر این اساس، هدف اساسی پژوهش حاضر این است که رابطه کنترل اجتماعی و بی‌نظمی را در جامعه شهری دهدشت مورد آزمون قرار دهد.

## پیشینه تجربی تحقیق

رابطه کنترل اجتماعی و بی‌نظمی کمتر بررسی شده است. با این حال، برخی پژوهش‌ها وجود دارند که کم و بیش با پژوهش حاضر مرتبط هستند. نظری (۱۳۸۶) در تحقیقی با عنوان عوامل اجتماعی فرهنگی مؤثر بر نزاع‌های جمعی، نشان داد میزان کنترل اجتماعی تأثیر معنادار و منفی بر گرایش به نزاع دارد. تاجران و کلاکی (۱۳۸۸) در تحقیقی به بررسی تأثیر عملکرد پلیس بر احساس امنیت شهروندان تهرانی پرداخته، نشان دادند بین توانمندی عملیاتی پلیس (سرعت عمل، امکانات و تجهیزات پیشرفته و گشت‌های منظم) و فعالیت‌های اجتماعی پلیس (مشارکت و ارتباط بیشتر با مردم) با احساس امنیت شهروندان رابطه معناداری وجود دارد. ویلسون و کلینگ (۱۹۸۲) نشان دادند مقابله پلیس با بی‌نظمی می‌تواند تأثیر درخور توجهی بر کاهش بی‌نظمی داشته باشد. اسکوگان (۱۹۹۰) با انجام برخی آزمایش‌ها نشان داد، عملکرد پلیس به عنوان یکی از نهادهای کنترلی جامعه می‌تواند باعث کاهش بی‌نظمی در سطوح مختلف شود. دکوویک و میجر<sup>۶</sup> (۲۰۰۴) در پژوهشی بر روی نوجوانان چهار گروه قومی نشان دادند بین درجه پیوند با خانواده و همسالان (نهادهای کنترلی) با رفتار ضد اجتماعی رابطه معنی‌داری وجود دارد. هاودن و رایان<sup>۷</sup> (۲۰۰۹) در تحقیقی با عنوان کنترل اجتماعی و تغییرات در نرخ قربانی، اقدامات مستقیم کنترل اجتماعی را در

نظم به معنای آراستگی و مرتب بودن، از ضرورت‌های زندگی اجتماعی است. نظم همچون روح در کالبد جامعه است که بدون آن، حیات جامعه به خطر می‌افتد (بیرو، ۱۳۶۷). نظم در زندگی اجتماعی، کارکردهای متعددی دارد. در سطح فردی باعث موفقیت در دستیابی به هدف (سلیمی، ۱۳۸۲) و افزایش عزت نفس و نشاط می‌شود (بنت و هسن، ۱۳۸۰)، در سطح سازمانی باعث بهبود بهره‌وری می‌گردد (فروتی و بحرانی، ۱۳۷۹) و در سطح اجتماعی، کاهش جرایم و ارتقای امنیت (ویلسون و کلینگ<sup>۱</sup>، ۱۹۸۲)، گسترش رفتارهای مطلوب (بنت و هسن، ۱۳۸۰)، افزایش همبستگی اجتماعی (سمپسون<sup>۲</sup> و همکاران، ۱۹۹۷) و دستیابی به توسعه را به دنبال دارد (اوگاندل<sup>۳</sup> و همکاران، ۲۰۰۹؛ جانسون، ۱۳۶۳). اگر چه همه افراد حسب فطرت انسانی، به فضیلت نظم در زندگی اذعان دارند، اما در عمل، بسیاری از افراد نظم‌پذیر نیستند. مفهوم بی‌نظمی شامل دامنه گسترده‌ای از ویژگی‌ها، همچون: سردرگمی، به هم ریختگی، اختلال، حالت غیر عادی و هرج و مرج است (باومن<sup>۴</sup>، ۲۰۰۲). به عبارت دیگر، بی‌نظمی بیانگر فرسایش ارزش‌ها و هنجارهای جامعه از یک سو و ظاهر محیط از سوی دیگر است (اسکوگان<sup>۵</sup>، ۱۹۹۰؛ ۴). بی‌نظمی در ایران به‌ویژه جامعه شهری یک مسأله اجتماعی مهم است (سراج‌زاده و گیلانی، ۱۳۸۸؛ امیرکافی، ۱۳۸۷؛ رضایی، ۱۳۸۴؛ کلاتری و همکاران، ۱۳۸۴ و امجدیان، ۱۳۸۴). تخلفات بالای ترافیکی رانندگان و عابران پیاده (احمدی، ۱۳۹۰)، صف‌های به هم ریخته، نخاله‌های ساختمانی در مسیر عبور و مرور، اشغال پیاده‌روها توسط مغازه‌داران، سد معبر دستفروش‌ها، نصب بدون اجازه اطلاعیه‌ها و تبلیغات بر روی در و دیوارها (احمدی، ۱۳۹۱)، اموال عمومی آسیب‌دیده (قره‌بلاغی، ۱۳۸۹)، پارتنی‌بازی و توجه بیشتر به دوست و فامیل (میرفردی، ۱۳۹۰) برخی مصادیق بارز بی‌نظمی در شهرهای استان کهگیلویه و بویراحمد هستند که

<sup>1</sup> Wilson & Kelling

<sup>2</sup> Sampson

<sup>3</sup> Ogundele

<sup>4</sup> Bauman

<sup>5</sup> Scogan

<sup>6</sup> Dekovic & Meijer

<sup>7</sup> Hawdon & Ryan

می‌شوند، ممکن است به شکل مثبت (مانند پاداش، جایزه و گواهی) و نیز به شکل منفی (مانند جریمه، اخراج و زندان) تجلی یابند. از سوی دیگر، ضمانت‌های اجرایی غیررسمی که از جانب نهادهای غیررسمی اعمال می‌شوند، ممکن است به صورت مثبت (مانند تأیید، نوازش و دست دادن) و نیز به صورت منفی (مانند اخم و طرد) بروز یابند (تیشلر<sup>۸</sup>، ۲۰۱۱: ۱۴۲). نظریه پردازان متقدم کنترل مانند ریس<sup>۹</sup> (۱۹۵۱) و رکلس<sup>۱۰</sup> (۱۹۶۱) در تبیین بی‌نظمی عمدتاً بر کنترل‌های شخصی تأکید داشتند، اما هیرشی<sup>۱۱</sup> (۱۹۶۹) اساساً بر کنترل‌های اجتماعی متمرکز بود. به زعم هیرشی (۱۹۶۹: ۵۱) پیوند افراد با نهادهای اجتماعی، مانند: خانواده، مدرسه، گروه دوستان، کلیسا و غیره، باعث می‌شود افراد در این گروه‌ها ادغام شوند و از این رهگذر رفتارشان مورد کنترل این گروه‌ها قرار گیرد. به اعتقاد هیرشی (۱۹۶۹) چهار عامل عمده وجود دارند که فرد را به جامعه پیوند می‌دهند: اول، تعلق و وابستگی نسبت به اشخاص مهم، مانند والدین و معلمان؛ دوم، تعهد یا وظیفه نسبت به انتظارات عادی مانند برآورده کردن انتظارات همکاران؛ سوم، مشغولیت در فعالیت‌های قراردادی و متداول، مانند کار و زندگی خانوادگی و چهارم، اعتقاد به ارزش‌ها و اصول اخلاقی. از نظر هیرشی، افرادی که به دیگران علاقه و توجه دارند، از ترس به خطر افتادن روابط اجتماعی‌شان، افرادی که تعهد بیشتری به جامعه دارند، از ترس از دست دادن دستاوردهایشان، افرادی که بیشتر درگیر کار و فعالیت‌های قراردادی و متداول هستند، به دلیل محدود بودن وقت و انرژی و بالاخره، افرادی که به ارزش‌ها و اصول اخلاقی ایمان دارند، به دلیل الزام بیشتر به رعایت آنها، کمتر احتمال دارد مرتکب رفتارهای انحرافی گردند. به زعم هیرشی (۱۹۶۹: ۵۲) بی‌نظمی و رفتار انحرافی زمانی به وجود می‌آید که پیوند بین فرد و جامعه سست شود.

مدل‌های محله‌ای جرم نشان دادند. توکر<sup>۱</sup> و همکاران (۲۰۰۹) در پژوهشی در بین سربازان نشان دادند با افزایش حجم کار، سربازانی که احساس می‌کردند کنترل کمتری بر روی رفتارشان وجود دارد، مرتکب بی‌انضباطی‌های بیشتری می‌شدند. ولارد<sup>۲</sup> و همکاران (۲۰۰۹) در پژوهشی در کشور هلند نشان دادند برخورد قاطع پلیس، تأثیر قابل توجهی بر کاهش بی‌نظمی‌ها دارد.

### چارچوب نظری

بر اساس نظریه کنترل، همه مردم در موقعیت‌های مختلف، مستعد نظم‌گریزی و انجام رفتارهای منحرفانه هستند، اما آنچه باعث می‌شود همه مردم دست به رفتارهای انحرافی نزنند، وجود برخی کنترل‌هاست (کیمل و ارونسون<sup>۳</sup>، ۲۰۱۲: ۱۷۶). این کنترل‌ها یا شخصی هستند، یا اجتماعی. کنترل‌های شخصی مربوط به توانایی‌های درونی فرد برای نظارت بر خود هستند مانند خود انگاره<sup>۴</sup>، خود پنداره<sup>۵</sup> و خود ادراکی<sup>۶</sup>، اما کنترل‌های اجتماعی مربوط به توانایی‌های بیرونی برای نظارت بر فرد هستند، مانند: حمایت خانواده، انتظارات دوستان و نظارت پلیس. بر اساس این نظریه، مکانیزم تأثیرگذاری کنترل‌های درونی بر نظم‌پذیری افراد، فرآیند اجتماعی شدن و پذیرش ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی جامعه است. هر چه افراد، ارزش‌ها و هنجارهای جامعه را درونی‌تر کرده باشند و بیشتر مورد پذیرش قرار داده باشند، کمتر محتمل است که مرتکب نظم‌ناپذیری گردند. اما مکانیزم تأثیرگذاری کنترل‌های اجتماعی بر نظم‌پذیری افراد، ضمانت‌های اجرایی<sup>۷</sup> این کنترل‌هاست. کنترل‌های اجتماعی می‌توانند رسمی، غیررسمی، مثبت و منفی باشند. ضمانت‌های اجرایی رسمی که از جانب نهادهای رسمی جامعه اعمال

<sup>1</sup> Tucker

<sup>2</sup> Vollaard

<sup>3</sup> Kimmel & Aronson

<sup>4</sup> Self-Image

<sup>5</sup> Self-Concept

<sup>6</sup> Self-Perception

<sup>7</sup> Sanctions

<sup>8</sup> Tischler

<sup>9</sup> Reiss

<sup>10</sup> Reckless

<sup>11</sup> Hirschi

به طور خلاصه، بر اساس نظریه کنترل، رابطه مستقیمی بین عملکرد نظام‌های کنترل و میزان بی‌نظمی وجود دارد. به عبارت دیگر، هر چه نظام‌های کنترل اجتماعی به واسطه مکانیسم‌های رسمی یا غیررسمی که در اختیار دارند، بیشتر بر رفتار افراد نظارت کنند، بی‌نظمی و انحراف از ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی کمتر می‌شود. با این تفاسیل، پژوهش حاضر با استناد به نظریه کنترل، به دنبال این است که فرضیه زیر را مورد آزمون قرار دهد.

### فرضیه تحقیق

بین کنترل اجتماعی و بی‌نظمی رابطه معناداری وجود دارد. هر چه میزان کنترل اجتماعی بیشتر باشد، میزان بی‌نظمی کمتر می‌شود.

### روش شناسی

پژوهش حاضر با استفاده از روش پیمایشی مقطعی و غیرآزمایشی انجام شده است. جامعه آماری، افراد بالای ۱۸ سال شهر دهدشت است که بر اساس نتایج سرشماری سال ۱۳۹۰ تعداد آنان ۵۶۲۷۹ نفر است. با استفاده از فرمول نمونه‌گیری کوکران (۱۹۷۷) و تعیین مقادیر  $(p=0/5)$ ،  $(q=0/5)$ ،  $(t=1/96)$ ،  $(d=0/05)$ ، اندازه نمونه مناسب، ۳۸۱ نفر به دست آمد، اما برای دستیابی به برآوردی دقیق‌تر، اندازه نمونه به ۴۰۰ نفر افزایش یافت. برای انجام نمونه‌گیری از روش تصادفی چندمرحله‌ای استفاده شد. مکانیزم آن به این صورت بود که ابتدا دو منطقه شهرداری بر روی نقشه تعریف و محله‌های مختلف در درون آنها علامت‌گذاری شدند. سپس در دو منطقه شهرداری، شانزده محله (هشت محله در منطقه ۱ و هشت محله در منطقه ۲) به طور تصادفی انتخاب شدند و با تعیین نقطه نمونه‌گیری (با استفاده از محور مختصات X و Y) در هر محله و انتخاب تصادفی یکی از جهت‌های جغرافیایی (شمال، جنوب، مغرب و مشرق) مسیر حرکت پرسشگران تعیین گردید. در مرحله آخر با انتخاب تصادفی رقم آخر

کدپستی (زوج یا فرد) در هر محله، به منازل مورد نظر مراجعه و اطلاعات مورد نیاز از فرد حایز شرایط که البته تمایل به مشارکت در تحقیق داشت، جمع‌آوری گردید. ابزار تحقیق، پرسشنامه پژوهشگر ساخته است که دارای دو مقیاس بی‌نظمی و کنترل اجتماعی است. مقیاس بی‌نظمی دارای ۱۲ آیتم و مشتمل بر دو بعد بی‌نظمی اجتماعی (۶ آیتم) و بی‌نظمی فیزیکی (۶ آیتم) است و مقیاس کنترل اجتماعی دارای ۱۷ آیتم و مشتمل بر دو بعد کنترل رسمی (۹ آیتم) و کنترل غیررسمی (۸ آیتم) است. پس از تنظیم ابزار تحقیق، از داوران متخصص خواسته شد اعتبار محتوایی آنها را ارزیابی کنند و سپس با استفاده از تحلیل عاملی تأییدی با چرخش واریماکس، اعتبار سازه‌ای آنها مورد سنجش قرار گرفت که نتایج در جداول ۱ و ۲ ارائه شده است. بر اساس نتایج، آزمون KMO برای مقیاس بی‌نظمی (۰/۷۶۰) و برای مقیاس کنترل اجتماعی (۰/۸۴۱) است که بیانگر کفایت نمونه‌گیری در هر دو مقیاس است. به علاوه، شاخص مجذور کای، برای آزمون کرویت بارتلت، برای هر دو مقیاس بی‌نظمی و کنترل اجتماعی در سطح  $(P<0/001)$  معنادار است و نشان می‌دهد بین متغیرها همبستگی وجود دارد. تحلیل عاملی مقیاس بی‌نظمی در نهایت با حذف یک آیتم از مدل، به استخراج دو عامل فیزیکی (۶ آیتم) و اجتماعی (۵ آیتم) منجر گردید که قادرند ۴۶/۳٪ واریانس سازه بی‌نظمی را تبیین کنند. تحلیل عاملی مقیاس کنترل اجتماعی نیز در نهایت بدون حذف هیچ آیتمی به استخراج دو عامل رسمی (۹ آیتم) و غیررسمی (۸ آیتم) منجر گردید که قادرند ۵۰/۱٪ واریانس سازه کنترل اجتماعی را تبیین کنند. برای تعیین پایایی مقیاس بی‌نظمی از همسانی درونی به روش کودر-ریچاردسون استفاده گردید که میزان آن (۰/۶۶) است. به علاوه، برای تعیین پایایی مقیاس کنترل اجتماعی از همسانی درونی به روش آلفای کرونباخ استفاده شد که مقدار آن (۰/۸۱) است که نشان می‌دهد مقیاس‌های طراحی شده از سازگاری درونی قابل قبولی برخوردار بوده‌اند.

جدول ۱- تعیین اعتبار و پایایی مقیاس بی‌نظمی

ضریب کوردر ریچاردسون کل مقیاس	واریانس تبیین شده	مقدار ویژه	عامل‌ها		آیتم‌ها در طی یک سال گذشته کدام یک از موارد زیر را انجام داده‌اید؟	
			اجتماعی وزن عاملی	فیزیکی وزن عاملی		
۰/۶۶	۲۷/۵	۲/۸		۰/۷۴۷	آسیب زدن به اموال عمومی (صندلی اتوبوس، تلفن عمومی، چمن یا فضای سبز)	
				۰/۶۳۳	ایجاد سر و صدای آزاردهنده	
				۰/۶۱۳	نوشتن و یا کشیدن شکل و خطوط روی دیوارها	
				۰/۶۱۱	گذشتن پلاستیک زباله در مسیر عبور و مرور	
				۰/۵۱۶	ریختن زباله در جوی یا خیابان	
				۰/۴۱۵	چسباندن پوستر، اطلاعیه و تبلیغات بر در و دیوارها	
				۰/۸۱۱	با سرعت غیرمجاز رانندگی کردن	
				۰/۶۴۸	تبعیض قایل شدن بین ارباب رجوع	
				۰/۵۷۰	بلند کردن صدای ضبط ماشین	
				۰/۵۴۷	رعایت نکردن صف در نانوائی یا مغازه	
۰/۴۹۵	پارتنری بازی برای انجام شدن کار					
					۰/۷۶۰	آزمون KMO برای کفایت نمونه‌گیری
Chi- square=۴۹۲۱		Df=۶۶	Sig=۰/۰۰۰	آزمون Bartlett برای درست بودن تفکیک عامل‌ها		

جدول ۲- تعیین اعتبار و پایایی مقیاس کنترل اجتماعی

ضریب آلفای کرونباخ کل مقیاس	واریانس تبیین شده	مقدار ویژه	عامل‌ها		آیتم‌ها هر یک از دستگاه‌های زیر به چه میزان وظایف‌شان را با قاطعیت انجام می‌دهند و هر یک از افراد زیر به چه میزان بر رفتار شما تأثیر دارند؟	
			غیررسمی وزن عاملی	رسمی وزن عاملی		
۰/۸۱	۲۷/۷	۴/۴		۰/۷۸۶	دادگاه‌ها	
				۰/۷۸۳	کلانتری‌ها	
				۰/۷۲۷	اداره اصناف	
				۰/۷۲۷	اداره ثبت اسناد و املاک	
				۰/۷۲۰	سازمان حمل و نقل	
				۰/۷۱۷	معاونت شهرسازی شهرداری	
				۰/۷۱۲	پلیس راهنمایی و رانندگی	
				۰/۷۰۰	سناد مبارزه با مواد مخدر	
				۰/۶۸۷	اداره دارایی و مالیات	
				۰/۷۶۷	خواهر	
۰/۷۵۳	برادر					
۰/۷۴۲	همسایگان					
۰/۷۳۸	اقوام					
۰/۷۲۴	همکاران					
۰/۶۸۱	مادر					
۰/۶۵۹	دوستان					
۰/۶۵۷	پدر					
					۰/۸۴۱	آزمون KMO برای کفایت نمونه‌گیری
Chi- square=۱۹۴۰		Df=۱۵۳	Sig=۰/۰۰۰	آزمون Bartlett برای درست بودن تفکیک عامل‌ها		

### یافته‌های توصیفی

بر اساس نتایج توصیفی متغیرهای جمعیتی، از مجموع ۴۰۰ نفر پاسخگو، ۲۵۵ نفر (۶۳/۸٪) مرد و ۱۴۵ نفر (۳۶/۲٪) زن بوده‌اند. ۱۸۳ نفر (۴۵/۸٪) مجرد و ۲۱۷ نفر (۵۴/۲٪) متأهل بوده‌اند. میانگین سنی پاسخگویان ۳۱/۴ سال و میانگین درآمد آنان ۶۵۸/۰۰۰ تومان بوده است. به لحاظ سطح تحصیلات ۲۵ نفر (۶/۲٪) زیر دیپلم، ۸۷ نفر (۲۱/۸٪) دیپلم، ۱۱۵ نفر (۲۸/۸٪) فوق دیپلم، ۱۷۳ نفر (۴۳/۲٪) لیسانس و بالاتر بوده‌اند. به لحاظ قومیت، ۳۹۳ نفر (۹۸/۲٪) لر و ۷ نفر (۱/۷٪) فارس بوده‌اند.

اما بر اساس نتایج توصیفی سازه‌های تحقیق، میانگین نمره بی‌نظمی پاسخگویان بر روی مقیاسی با دامنه صفر (کمترین) تا ۱۱ (بیشترین) و میانگین واقعی (۵) برابر با ۱/۹ بوده است. این یافته تحقیق به این معناست که نمره بی‌نظمی پاسخگویان در مقیاس مورد استفاده، پایین بوده است. از سوی دیگر، میانگین نمره کنترل اجتماعی بر روی مقیاسی با دامنه ۱۷ (کمترین) تا ۸۵ (بیشترین) و میانگین واقعی (۵۱) برابر با ۵۰/۷ است. این یافته تحقیق به این معناست که انجام قاطعانه وظایف توسط دستگاه‌های کنترل رسمی و نیز میزان نظارت مکانیزم‌های کنترل غیررسمی بر رفتار افراد، در حد متوسط است.

### یافته‌های تحلیلی

#### بررسی رابطه کنترل اجتماعی و بی‌نظمی

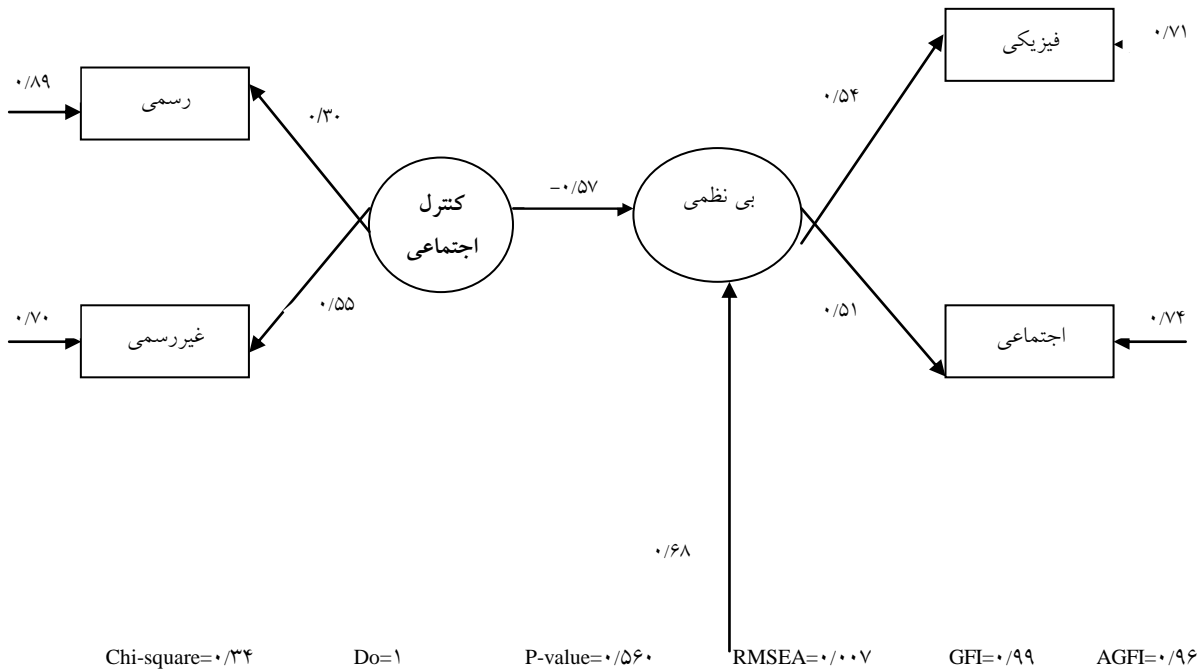
هدف اساسی پژوهش حاضر بررسی رابطه کنترل اجتماعی و بی‌نظمی است. بر این اساس، برای پیش‌بینی بی‌نظمی به عنوان متغیر پنهان وابسته، بر اساس کنترل اجتماعی به عنوان متغیر پنهان مستقل، از مدل معادلات ساختاری<sup>۱</sup> استفاده شده است. در این مدل، بی‌نظمی با استفاده از دو متغیر آشکار فیزیکی و اجتماعی تعریف شده و کنترل اجتماعی بر مبنای دو متغیر آشکار رسمی و غیر رسمی تعریف شده است. بررسی نیکویی

برآزش<sup>۲</sup> مدل نشان می‌دهد، مقدار کای اسکوئر (۰/۳۴) با درجه آزادی (۱) به لحاظ آماری معنادار نیست (Sig=۰/۵۶۰). به علاوه، شاخص ریشه میانگین مربعات خطای برآورد (۰/۰۰۰) و نیز شاخص‌های GFI و AGFI نیز تأیید می‌کنند که مدل دارای برآزش مطلوبی است و با داده‌های تجربی مورد استفاده، سازگاری و توافق دارد. بر اساس نتایج به دست آمده، برآورد خطا برای متغیر بی‌نظمی فیزیکی (۰/۷۱) و بی‌نظمی اجتماعی (۰/۷۴) است. به علاوه، مقدار خطا برای متغیر آشکار کنترل رسمی (۰/۹۱) و کنترل غیررسمی (۰/۷۰) است. بار عاملی متغیر پنهان وابسته بی‌نظمی با بعد فیزیکی (۰/۵۴) و با بعد اجتماعی (۰/۵۱) است. از سوی دیگر، بار عاملی متغیر مستقل پنهان کنترل با بعد رسمی (۰/۲۹) و با بعد غیررسمی (۰/۵۵) است که با توجه به مقادیر t که بزرگتر از ۱/۹۶ هستند، هیچ یک از بارهای عاملی رد نمی‌شود. ضریب علی کنترل بر روی بی‌نظمی (۰/۵۷-) است که با توجه به مقدار تی (t=۴/۱) این ضریب، معنادار است و نشان می‌دهد که ازای هر واحد تغییر در کنترل به چه میزان در بی‌نظمی تغییر به وجود می‌آید. میزان خطای متغیر وابسته پنهان بی‌نظمی (۰/۶۸) است که نشان می‌دهد برآورد انجام شده دارای دقت مناسبی است و متغیر مستقل کنترل اجتماعی قادر است ۳۲ درصد از تغییرات متغیر وابسته بی‌نظمی را تبیین نماید.

<sup>2</sup> Goodness of Fit

<sup>1</sup> Structural Equation Model

نمودار ۱- رابطه کنترل اجتماعی و بی‌نظمی با استفاده از مدل معادله ساختاری



هستند که بین میزان درآمد و بی‌نظمی رابطه معناداری وجود ندارد.

جدول ۳- تفاوت زنان و مردان در ارتکاب بی‌نظمی

جنسیت	میانگین نمره بی‌نظمی	t	df	Sig
زن	۱/۱	۶/۳	۳۹۸	۰/۰۰۰
مرد	۲/۳			

جدول ۴- تفاوت مجردان و متأهلان در ارتکاب بی‌نظمی

وضع تأهل	میانگین نمره بی‌نظمی	t	df	Sig
مجرد	۲/۶	۵/۹	۳۹۸	۰/۰۰۰
متأهل	۱/۳			

جدول ۵- تفاوت قومیت لر و فارس در ارتکاب بی‌نظمی

قومیت	میانگین نمره بی‌نظمی	t	df	Sig
لر	۱/۹	۰/۷۳	۳۹۸	۰/۴۹۴
فارس	۱/۴			

### بررسی رابطه متغیرهای جمعیتی و بی‌نظمی

در تحقیق حاضر متغیرهای جمعیتی (جنسیت، وضع تأهل، قومیت، سن، میزان درآمد و میزان تحصیلات) به عنوان متغیرهای کنترل در تحقیق وارد و ارتباط آنها با بی‌نظمی جهت وضوح بیشتر رابطه متغیرهای اصلی تحقیق، بررسی شد که نتایج در جداول ۳ تا ۸ منعکس شده‌اند. براساس جدول ۳ میانگین نمره بی‌نظمی مردان بیشتر از زنان است و این تفاوت در سطح ۹۹٪ معنادار است. نتایج جدول ۴ بیانگر این است که میانگین نمره بی‌نظمی افراد مجرد به طور معناداری بیش از افراد متأهل است. براساس داده‌های جدول ۵ تفاوت معناداری بین میانگین نمره بی‌نظمی افراد با قومیت لر و افراد با قومیت فارس وجود ندارد. براساس جدول ۶ افراد با سطوح مختلف تحصیلی به لحاظ میانگین نمره بی‌نظمی تفاوت معناداری با یکدیگر ندارند. نتایج جدول ۷ نشان می‌دهد بین سن و بی‌نظمی رابطه معناداری وجود دارد و با افزایش سن از میزان بی‌نظمی کاسته می‌شود و بالاخره نتایج جدول ۸ بیانگر این

(بیشترین کنترل) برابر با ۵۰/۷ است که تقریباً برابر با میانگین واقعی (۵۱) است. این یافته تحقیق نشان می‌دهد، میزان کنترل نهادهای رسمی و غیررسمی جامعه در سطح متوسط است. بر اساس یافته‌های تحقیق، بین میزان کنترل اجتماعی و بی‌نظمی رابطه منفی و معناداری وجود دارد و طی آن با افزایش میزان کنترل اجتماعی رسمی و غیررسمی، میزان بی‌نظمی کاهش می‌یابد. مدل معادله ساختاری بیانگر آن است که کنترل اجتماعی می‌تواند ۳۲ درصد از تغییرات بی‌نظمی را تبیین کند. این یافته تحقیق با مبانی نظری تحقیق مبنی بر رابطه معکوس بین کنترل اجتماعی و بی‌نظمی (ویلسون و کلینگ، ۱۹۸۲؛ کلینگ و کولز، ۱۹۹۷) منطبق است و آن را در شرایط جامعه شهری ایران تأیید می‌کند. به علاوه، یافته تحقیق حاضر با نتایج پژوهش امجدیان (۱۳۸۴) و رفیع‌پور (۱۳۷۸) مبنی بر وجود رابطه معکوس و معنادار بین کنترل اجتماعی با شیوع آنومی، پژوهش نظری (۱۳۸۶) مبنی بر وجود رابطه منفی بین کنترل اجتماعی و گرایش به نزاع، پژوهش تاجران و کلاکی (۱۳۸۸) مبنی بر رابطه معنادار عملکرد پلیس (به عنوان یک دستگاه کنترل رسمی) با احساس امنیت و بالاخره، نتایج پژوهش توکر و همکاران (۲۰۰۹) مبنی بر رابطه منفی و معنادار بین کنترل اجتماعی و بی‌انضباطی، منطبق است و آنها را تأیید می‌کند.

بر این اساس، دستگاه‌های کنترلی رسمی جامعه (مانند پلیس، دادگاه‌ها، اصناف، شهرداری و غیره) با انجام دقیق و قاطعانه وظایف و دستگاه‌های کنترلی غیررسمی (مانند خانواده و غیره) با نظارت بیشتر بر رفتار اعضا، می‌توانند به کاهش بی‌نظمی به عنوان یک مسأله حاد اجتماعی کمک کنند. وقتی بیش از ۲۶ درصد افراد زباله در جوی آب یا خیابان می‌ریزند، حدود ۳۰ درصد صدای ضبط ماشین‌شان را بسیار بلند می‌کنند، بیش از ۳۳ درصد با سرعت غیرمجاز رانندگی می‌کنند، و حدود ۳۰ درصد با پارتنی بازی کارشان را پیش می‌برند، بیانگر این است که دستگاه‌های کنترلی رسمی و غیررسمی جامعه باید اهتمام بیشتری به عملکرد خود داشته باشند.

جدول ۶- تفاوت افراد با سطوح مختلف تحصیلی در ارتکاب بی‌نظمی

میزان تحصیلات	میانگین نمره بی‌نظمی	F	df	Sig
کمتر از دیپلم	۱/۵			
دیپلم	۱/۷	۰/۷۲	۳۹۹	۰/۵۴۱
فوق دیپلم	۱/۸			
لیسانس و بالاتر	۲			

جدول ۷- بررسی رابطه سن و بی‌نظمی

ضرب همبستگی پرسون	Sig
سن بی‌نظمی	۰/۲۵
	۰/۰۰۰

جدول ۸- بررسی رابطه میزان درآمد و بی‌نظمی

ضرب همبستگی پرسون	Sig
درآمد بی‌نظمی	۰/۰۲
	۰/۶۳۲

### بحث و نتیجه‌گیری

نظم، ضرورت بنیادی زندگی اجتماعی است و بی‌نظمی، یک آسیب اجتماعی است که می‌تواند جامعه را دچار اختلال کند. بی‌نظمی در جامعه شهری ایران یک مسأله اجتماعی مهم است که شناسایی و تبیین عوامل مؤثر بر آن می‌تواند به فرآیند توسعه کشور کمک کند. در پژوهش حاضر کوشش شد تأثیر نهادهای کنترلی جامعه (نهادهای رسمی و غیررسمی) بر بی‌نظمی بررسی شود. بر اساس یافته‌های تحقیق، میانگین نمره‌های بی‌نظمی افراد بر روی دامنه نمره‌های از صفر (کمترین بی‌نظمی) تا ۱۱ (بیشترین بی‌نظمی) برابر با ۱/۹ است که از میانگین واقعی (۵/۵) به طور معناداری کمتر است. این یافته تحقیق نشان می‌دهد بی‌نظمی در بین شهروندان شیوع پایینی دارد، اما با توجه به شاخص‌های مورد استفاده در بی‌نظمی، میزان شیوع را باید با احتیاط ملاحظه نمود. از سوی دیگر، یافته‌های تحقیق نشان می‌دهند میانگین نمره‌های کنترل اجتماعی بر روی دامنه نمره‌ها از ۱۷ (کمترین کنترل) تا ۸۵



تاجران، عزیزالله؛ کلاکی، حسن. (۱۳۸۸). «بررسی تأثیر عملکرد پلیس بر احساس امنیت شهروندان تهرانی»، فصلنامه مطالعات مدیریت/انتظامی، سال چهارم، شماره چهارم، ص ۵۶۱-۵۸۱.

جانسون، چالمرز. (۱۳۶۳). تحول انقلابی، ترجمه: حمید الیاسی، تهران: امیرکبیر.

چلبی، مسعود. (۱۳۷۵). جامعه‌شناسی نظم، تهران، نشر نی. رفیع‌پور، فرامرز. (۱۳۷۸). آنومی یا آشفتگی اجتماعی: پژوهشی در زمینه پتانسیل آنومی در شهر تهران، تهران: انتشارات سروش.

رضایی، محمد. (۱۳۸۴). «میزان، نوع و عوامل مؤثر بر قانون‌گریزی»، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره ششم، ش ۳، صص ۴۷-۶۹.

سراج‌زاده، حسین؛ گیلانی، اشرف. (۱۳۸۸). «بی‌سازمانی اجتماعی و ترس از جرم»، رفاه اجتماعی، سال دهم، ش ۳۴، صص ۲۲۳-۲۴۴.

سلیمی، حسین. (۱۳۸۲). «تأثیر رفتار معلم بر نظم‌پذیری دانش‌آموزان در مدرسه»، فصلنامه نوآوری‌های آموزشی، ش ۶، سال دوم، صص ۹۶-۱۰۸.

قره‌بلاخی، زهرا. (۱۳۸۹). بررسی وندالیسم و عوامل مؤثر بر آن در شهر یاسوج، پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد، یاسوج، گروه علوم اجتماعی.

فروتنی، زهرا؛ بحرانی، عطیه. (۱۳۸۷). «انضباط اجتماعی در سازمان». مدرس علوم انسانی، دوره ۱۲، ش ۱، صص ۱۸۹-۲۱۸.

کلاتری، صمد؛ ربانی، رسول؛ صداقت، کامران. (۱۳۸۴). «ارتباط فقر با قانون‌گریزی و شکل‌گیری آسیب اجتماعی»، رفاه اجتماعی، ش ۱۸، صص ۶۵-۹۰.

میرفردی، اصغر. (۱۳۸۹). «میزان جهت‌گیری عام‌گرایانه و عوامل اقتصادی و اجتماعی مؤثر بر آن در شهر یاسوج»، مجله جامعه‌شناسی ایران، ش ۳۰، صص ۱۰۳-۱۲۳.

در تحقیق حاضر تلاش گردید اثر سایر متغیرها بر رابطه متغیرهای اصلی تحقیق؛ یعنی کنترل اجتماعی و بی‌نظمی، کنترل گردد. بر این اساس، متغیرهای جمعیتی جنسیت، وضع تأهل، قومیت، سن، میزان درآمد و میزان تحصیلات به عنوان متغیرهای کنترل در تحقیق وارد و ارتباط آنها با بی‌نظمی بررسی شد. تفاوت معنادار زنان و مردان، مجردان و متأهلان در میزان بی‌نظمی و نیز رابطه معنادار و منفی سن و بی‌نظمی، بیانگر این است که رابطه معنادار بین کنترل اجتماعی و بی‌نظمی متأثر از جنسیت، وضع تأهل و سن است که لازم است در تفسیر نتایج و نیز تحقیقات آتی مورد توجه قرار گیرند.

#### منابع

احمدی، سیروس؛ عادلی، علیرضا؛ امیری، راضیه. (۱۳۹۱). «بررسی رابطه احساس بی‌نظمی و احساس ناامنی در بین شهروندان یاسوجی»، پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی، سال اول، شماره سوم، صص ۶۳-۸۰.

احمدی، سیروس. (۱۳۹۰). «بررسی رابطه جنسیت و تخلف رانندگی در شهر یاسوج». مجله مطالعات مدیریت ترافیک، ش ۲۰، صص ۲۴-۱۳.

امجدیان، فیروز. (۱۳۸۴). «بررسی میزان پتانسیل و زمینه‌های بروز آنومی در شهر کرمانشاه»، فصلنامه مطالعات ملی، سال ششم، ش ۴، صص ۸۶-۱۰۷.

امیرکافی، مهدی. (۱۳۸۷). «بررسی احساس امنیت و عوامل مؤثر بر آن». تحقیقات اجتماعی ایران، ش ۱، صص ۱-۲۶.

بنت، وین؛ هس، کارن. (۱۳۸۰). «انضباط و رفتارهای مسأله‌ساز»، ترجمه: عبدالله مجیدی، مجله دانش/انتظامی، ش ۲، صص ۱۶۰-۱۷۸.

بیرو، آلن. (۱۳۶۷). فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه: باقر ساروخانی، تهران، انتشارات کیهان.

- Reiss, A. J. (1951) "Delinquency as the Failure of Personal and Social Controls". *American Sociological Review*, 16: 196-207.
- Sampson, R.J. Raudenbush, R.W. (1999) "Systematic Social Observation of Public Spaces: A New Look at Disorder in Urban Neighbourhoods". *American Journal of Sociology*, 3: 603-651
- Sampson, R.J. Raudenbush, S.W. Earls, F. (1997) "Neighbourhoods and Violent Crime: A Multilevel Study of Collective Efficacy". *Science*, 277 : 918-924.
- Skogan, W.G. (1990) *Disorder and decline: Crime and the spiral of decay in American neighborhoods*. New York, Free Press.
- Tischler, H.L. (2011) *Introduction to Sociology*. New York, Wadsworth.
- Tucker, J.S. Sinclair, R.R. Mohr, C.D. Adler, A.B. Thomas, J.L. Salvi, A.D. (2009) "Stress and Counterproductive Work Behavior: Multiple Relationships between Demands, Control, and Soldier Indiscipline over Time". *Journal of Occupational Health Psychology*, 14(3): 257-271.
- Vollaard, B. Koning, P. (2009) "The Effect of Police on Crime, Disorder and Victim Precaution". *International Review Law and Economics*, 29(4): 336-348.
- Wilson, J.Q. Kelling, G.L. (1982) "Broken Windows: The Police and Neighbourhood Safety". *Atlantic Monthly*, 249: 29-38.
- نظری، جواد. (۱۳۸۶). بررسی جامعه‌شناختی عوامل اجتماعی فرهنگی مؤثر بر نزاع‌های جمعی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم اجتماعی دانشگاه اصفهان.
- Bauman, Z. (2002) Social uses of law and order, in D. Garland and R. Sparks (Eds.) *Criminology and Social Theory*. Oxford: Oxford University Press, PP 23-46.
- Cochran, W.G. (1977) *Sampling techniques*. New York, John Wiley & Sons.
- Dekovic, W. B. Meijer, A.M. (2004) "The Role of Family and Peer Relations in Adolescent Antisocial Behavior: Comparison of Four Ethnic Groups". *Journal of Adolescence*, 27, 497-514.
- Hawdon, J. Ryan, J. (2009) "Social Control and Changes in Victimization". *Crime and Delinquency*, 55(4) : 526-549.
- Hirschi, T. (1969) *Causes of dlinquency*. Berkeley, Universsity of California Press.
- Kelling, G.L. Coles, C.M. (1997) *Fixing broken windows: Restoring order and reducing crime in our communities*. New York, Free Press.
- Kimmel, M. Aronson, A. (2012) *Sociology Now*. Boston, Allyn & Bacon.
- Ogundele, O.J. (2009) "Strategies for Restoration Moral Health in Nigeria Organizations", *Journal of Social Sciences*, 18(2).
- Reckless, W. C. (1961) "A New Theory of Delinquency and Crime", *Federal Probation*, 25: 42-46.